

اسلاوها و مشرق زمین

نوشته الیاس او. سلیمانوف

یک شبکه هزار ساله
مبادلات
فرهنگی و بازرگانی



Photo tirée du livre "Les Slaves et l'Orient", © Unesco, Paris

در اینجا تصویر یک اسب سوار مولوی را که متعلق به قرن هفدهم میلادی است مشاهده می‌کنید. عنوان مصولات نازده مشاهده می‌کنید. عنوان مصولات نازده پیشماری پویزه چرتکه جای و تولیدات تاریخی مانند شاخ ماده گوزن و ریخته فرغت چرسا را با خود به کشورهای اسلاوی آوردند.

ایتیل (در منطقه حاجی‌یرخان فعلی) و بلغار (در جنوب مصب رود کاما) به سوی شمال حرکت می‌کردند. آنچه این بازرگانان را به سوی خود جلب می‌کرد نیروهای افسانه‌ی سرزمینهای شمالی و در درجه اول انواع پوست اعم از پوست روباه تقریبی، سمور، دله، قاقم و سگ آبی بود که در آنجا به‌طور فراوان یافت می‌شد. این کالاها در شهرهای بغداد، بخارا، خوارزم و قاهره ارزش بسیار زیادی داشتند. شاهان در ستایش آنها شمع می‌سوزاند و شاهان و امیران و شاهزادگان می‌کوشیدند که با به‌دست آوردن هر چه بیشتر آن هدیه‌های گرانبهای سرزمینهای دور دست شمالی بزرگدگر میبخت جویند. آنها همچنین از اروپای شرقی موم و شسل و برده‌وارد می‌کردند.

اقوام اسلاو بنویه خود شاهد ورود فراوان کالاهای شرقی‌زمین به سرزمینهای خود بودند آنها مخصوصاً سکه‌های نقره‌ی بیشتر دریافت می‌کردند. به همین جهت است که امروز باز در سراسر سرزمینهای وسیع غربی و شرقی اسلاو گنجینه‌های فراوانی از سکه‌های مشرق زمین که متعلق به قرن هشتم و نهم میلادی هستند می‌توان یافت. اینها گرانگانه گنگ و خاموش تناسبات بازرگانی بردو نقل هستند.

بعد برای ما حفظ و نگهداری شده‌اند و در آثار آنها مشاهده می‌شود که برای نخستین بار از اقوام اسلاو نام برده شده است. نویسنده گان دیگر عرب در قرن هشتم و نهم میلادی رود دن را درود اسلاوه و دریای سیاه را دریای روسی نامیدند. برخی از جغرافیادانان عرب در اوایل قرون وسطی به‌واسطه اسلاوه معروف جهان گسترده‌ی دادند که حتی اقوام زمینی‌الاصل را نیز دربر می‌گرفت.

این را نه می‌توان اشتباه ساده‌ی از جانب مولفان مسلمان تلقی کرد و نه می‌توان بدان حجتی انتقادی داد. بلکه توجهی که می‌توان برای آن ارائه نمود یکی گسترده‌ی بسیار زیاد و پیچیده راهبای بازرگانی شناخته شده اقوام اسلاو و طوایف شرقی است و دیگری نقش قابل‌است که ملل اسلاو در تناسبات میان‌شرق و غرب ایفا کرده‌اند.

از قرن هشتم میلادی تجارت میان کشورهای حای عرب تحت حکومت خلفا و کشورهای اروپای شرقی و کشورهای واقع در سواحل دریای بالٹیک گسترش آغاز کرد. از همان ابتدا کشپران‌ی روی رود ولگا در این‌باره نقش مهمی ایفا کرد. کشپنه‌ی کوچک بازرگانان مشرق زمین ضمن عبور از شهرهای تجاری شُردند

مشهد. اطلاعات ما درباره قدیمی‌ترین تناسبات میان اقوام اسلاو و مشرق‌زمین عبارت از فولکلور، داده‌های زبانشناسی و باستان‌شناسی، مدارک و شواهد ناقص و پراکنده نویسنده گان لاتین است. ولی از قرن ششم میلادی ما مدارک کتبی بسیار مهمی در اختیار خود داریم. اگر چه آنها هم درباره این تناسبات اطلاعات واحدی به‌یسی‌یوه و غیر کاملی را تشکیل می‌دهند. این مدارک به‌دوره‌ی تعلق دارند که در آن اقوام اسلاو در امر باطوری روم‌شرفی اندک آندک شناخته شدند و در مشرق‌زمین مروه توسط یونانی‌هاش با نام آنها آشنایی حاصل کردند.

ستن این عصر و نیز سالنامه‌های مربوط به دورته‌ی از اسلام توسط وقایع‌نگاران رمانهای

الیاس او. سلیمانوف و Olesja O. Sulejmenov یکی از نویسنده گان و شماری بزرگ ژرف‌نگاران (اتحاد جماهیر شوروی) است که به زبان روسی و زبانی کتاب می‌نویسند. او ده جلد کتاب شمع و مقالات سخنپن می‌خوانی درباره فرهنگهای مربوط به قابل اسلاو و ترک نوشته و یکی از اضافی گروه نویسنده گان بین‌المللی یونسکو برای تهیه تاریخ نودینده‌گانه آسیای مرکزی مصوب می‌شود.



Photo tirée de "Histoire Illustrée de l'URSS © APN, Moscou

در اینجا یکی از نمونه‌های بسیار قدیمی روسی را که «گرمیو» نامیده می‌شد می‌بینید. گرمیو یا مسکه نقره‌ای بود که در دوران روسیه کیفی نقره‌نیم میلادی هم به عنوان پول و هم به عنوان وزه و وسیله زینت بکار می‌رفت.

در سمت راست تصویر کلیسای «بازیل» نوشته شده را که یکی از زیباترین بناهای هنر از توپوکسی است در میدان سرخ مسکو مشاهده می‌کنید. ایوان معروف که می‌خواست پیروزی قاضی را که گمانیده راه ایران و سبیری به سوی روسیه بود در خاطره ملت جوان‌سازد تصور داد بنای با عظمتی به عنوان نشانی و ستایش خداوندی می‌آنگشند. تأثیر شای بخش این بنا ناشی از رنگارنگی، درخشندگی و فراوانی تزیین‌های آن و شکل منقطع و بریده بریده خطوط و ظاهرا است. این بنای شکستناپذیر یادآور برخی از آثار با عظمت معماری شرقی است.



Photo © APN, Moscou

به نظر من در حال حاضر یکی از مشخصات عمده مطالعه در زمینه تناسبات فرهنگی میان اقوام اسلاو و شرقی‌ترین ازبایی مجدد و انتظامی بنایه در این باره نقش‌های ترک است. به وسیله ترکیه بود که میان اقوام اسلاو و قلمرو فرهنگی بسیار وسیع و متنوعی که شرقی‌ترین نامیده می‌شود تناسبات طولانی و بسیار استواری برقرار گشت.

ترکیه، اهم از قبایل بیابانگرد و یا مستقر در یک مکان ثابت، نزدیک‌ترین همسایگان اقوام شرقی اسلاو بودند. اگر چه تناسبات اقوام اسلاو با اعراب و ایران و خاور دور در قرن وسطی به اصطلاح از محدوده تجارت ترک تناسباتی بسیار نزدیک و پایدار برقرار گردید. بدون در نظر گرفتن عامل ترک، محال است بتوان درباره تاریخ شکل‌دهی و اقتصادی و فرهنگی اقوام اسلاو مطالعاتی انجام داد.

۱- نام ترک به مجموعه‌ای از قبایل و طوایفی اطلاق می‌گردد که متشکل گوناگون دارند و در حدود قرن ششم تا هفتم میلادی در آسیای مرکزی و شمال غربی به هم پیوسته‌اند.

چکوسلواکی از جمله تاریخچه وقایع لیستان تألیف گئورگ آسونوس و تاریخچه وقایع چکوسلواکی تألیف کومپوراک که در قرن نهم و دوازدهم میلادی نوشته شده‌اند درباره تمدنهای مربوط به مناطق باستانی شرقی‌ترین از قبیل مصر، آشور، ماد و پارس اطلاعاتی دربر دارند. در تاریخ وقایع روسیه معروف به تاریخ وقایع مسکو که در آغاز قرن نوزدهم میلادی تألیف شده راجع به راه بازرگانی آن زمان که از طریق رود ولگا به دریای خزر و حتی فرانس در آن به‌خوارزه متشکی می‌گشت سخن می‌مان آمده و نیز در یکی از آثار تاریخی یکی از مؤلفان قرن شانزدهم لیستان موسوم به ژان دلگووز به ملل شرقی‌ترین چه در دوره باستان و چه در دوره قرون وسطی مکرر اشاره شده است.

قبایل جدیدترین چنگجو (در ابتدا قبایل چنگک و سپس قبایل پلوتوی) که در بخش شمالی سرزمینهای اسلاوی زندگی می‌کردند و غالباً با نژاد اسلاو به دشمنی می‌پرداخته نامی برای تناسبات فرهنگی بوجود نمی‌آوردند. آنها به بازرگانان اسلاوی اجازه سرچشمه دادند که از سرزمینهایشان عبور کنند و گاه نیز نقش واسطه را ایفا می‌کردند.

بازرگانی تنها به سفر سوداگران شرق به سرزمینهای اسلاوی محدود نمی‌شد بلکه تعداد بیشماری از بازرگانان اسلاوی نیز در شهرهای گوناگون کشورهای غربی اسلامی وجود داشتند و در آنجاها بسیار شناخته شده بودند. کشتیهای آنها از رود ولگا و در جهت دریای خزر و دریای سیاه حرکت می‌کردند. و از آنجا آنها کلاه‌های خود را با شتر به سوی بغداد حمل می‌کردند.

بیشرفت تناسبات بازرگانی میان کشورهای غربی اسلاوی و سرزمینهای اسلاو کجنگوی دانشمندان غرب را نسبت به این همسایگان شمالی برانگیخت. اکنون در آغاز مؤلفان قرن هشتم تا دهم میلادی حقایق جالب فراوانی درباره اقوام اسلاو می‌توان یافت. آثار جغرافیادانان و مورخان غرب این دوره حاوی اطلاعات مهمی راجع به منشأ اقوام اسلاو تناسبات آنها یا ملل دیگر، عبادتگاهها و مذهب آنها، زندگی وادی و رسوم و عادات گوناگون آنها نخستین کشورهای اسلاوی است.

اقوام اسلاو نیز بنوعی خود در مورد شرقی زمین‌های از کشته‌های شاهدان عینی و نیز از آثار تاریخی آگاهی به دست می‌آورند. کتابهای حاوی شرح وقایع و سالنامه‌های روسیه، لیستان و



داستان لشکر کشی اسکندر مقدونی به هند که نیروی نخل مرید محلی شاخ و برگ فراوان بدان بخشیده بود در کشورهای اسلامی شهرت بسیار یافته است. در بالا تصویر پاک سرساخته شده از عاج رامشاهه می کند که به تازگی در روستای درینجا واقع در یونان کشف شده و چنین می نماید که یکباره دوران جوانی اسکندر است.



این مخلوقان الهایی یعنی انسانهای حیواناناک در این تصویر مشاهده می کنید همانانی یکی از تزیینات قرن نازدهم میلادی هستند که در آن سواد قدیمی اسکندر شرح داده شده است.

ولی در تاریخ تمدنها و تشکیل و توسعه آنها هرگز هماهنگی کامل حکمفرما نبوده است. غالباً نمائندگان پاک کشور نه با کاروانی از کالاهای گوناگون بلکه زره دزیر و شمشیر در دست زرد همسایگان خود می رفتند. جنگ میان دو ملت گاه برای یکی از آنها به فاجعه می-انجامید و این چیزی است که برای اقوام شرقی اسلام حساسی که سرزمینشان در آغاز قرن سیزدهم مورد هجوم طوایف بیابانگرد حمله های غلغزار روسیه به فرماندهی باتوخان قرار گرفت اتفاق افتاد. در این گیرودار روسیه ایف و نیز شاهزاده نیشیای روسی پیشمار سپیدم کشتند. قبایل شرقی اسلام ضمن مبارزه با تسلط قبایل تاتار و مغول و پیشروی اقوام بیابانگرد به مسوی غرب جلوگیری نمودند ولی فرهنگ خود آنها فریب به سیمصد سال ناپاخر زیر سلطه خارجی بودند خود ادامه داد. از سوی دیگر عشق به آزادی به وحدت روسیه، به تشکیل یک دولت مرکزی و به پیدایش و رشد اشکال تازه فرهنگی کمک نمود. روابط اقوام اسلام با مشرق زمین حتی در زمانی که آنها تحت تسلط قوم تاتار قرار داشتند ادامه پیدا کرد.

پس از آنکه آیین مسیحیت در روسیه پذیرفته شد دیدار مسافران از مشرق زمین غالباً به شکل زیارت سرزمین مقدس انجام گرفت. از قرن دوازدهم میلادی گزارشهای زائران درباره عظمتشاه امپراطوری روم شرقی و فلسطین وارد کتابهای وقایع تاریخی روسیه شد. از قرن پانزدهم میلادی حمله خاص برای روسها در فلسطینه وجود داشته که در آن بازرگانان روس سکن گزیده بودند. گسریه های از کشیشان روسی در سوهوما سترگ کشته بودند که بعضی از آنها آثار یونانی و یونان و یونان برمی گردانند و با اینکه آثار مربوط به مولفان قبایل جنوبی اسلام را استنساخ می کردند و آنها را به مسکو می فرستادند. در این آثار برای نخستین بار از ورود قبایل ترک به بخارزبانه نام برده شده است.

از زمانهای بسیار قدیم سرزمین هندوچین قبایل اسلام را سخت مجذوب خود ساخته بود. داستان لشکر کشی اسکندر مقدونی که نیروی نخل محلی بدان و پیش بسیاری بخشیده بود در میان قبایل فریب و شرقی اسلام شیوع داشت. در این داستان از فتح یک ناحیه اسماعیلی موسوم به سامکند به غالباً صحبت بیان می آمد. نخستین اطلاعات درباره سرزمین عجایب به منظور غیر مستقیم و خاص از طریق آسیای مرکزی، ماوراء قفقاز، و ایران به سرزمینهای اسلامی راه پیدا کرد. نخستین مسافر روسی که با چشمان خود هند را دید یکی از بازرگانان تور موسوم به آفاناسی نیکیتین بود که از سال ۱۴۶۶ تا سال ۱۴۷۲. در آنجا اقامت داشت. او ماجرای سفر خود را در کتابی به نام سفر به آسیای شرقی سه گانه ترمسید توصیف نموده است. برخلاف بسیاری از مسافران نیکیتین توانسته بود با مردم هند روابط نزدیکی برقرار کند و با آن سرزمین و آداب و رسوم ساکنان آن آشنایی بیشتری حاصل نماید.

در قرن شانزدهم میلادی هنگامی که دوره کشفیات بزرگ جغرافیایی آغاز شد قاره اروپا در نتیجه پیروزی کهنه های شکست انگیز هندوستان و چین کالا و دگرگون گردید. بدون تردید قبایل اسلام در آن زمان این نکته را دریافته بودند که در روابط بازرگانی و فرهنگی که میان اروپای غربی و مشرق زمین دامن زده می شود، فرصت بسیار است. در آغاز قرن شانزدهم میلادی، کراسیموف سفیر روسی در زم به منظور کشف یک راه دریایی شمال روسیه چین طرح ارائه داد. ایوان مخوف تزار روس که نسبت به مشرق زمین علاقه بسیار شدیدی نشان میداد قول داد تا به هر کس

که بتواند از طریق دریاهای شمال خود را به چین برساند جایزه مهمی اعطاء کند. این کوششها در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی هنگامی که به منظور قطب معلوم گردید سفر به چین از طریق مغرب و بعثت وجود توده های بزرگ یخ و سرما و تاریکی مفقود نیست متوقف گردید. روابط استوار و روبه افزایش میان اقوام اسلام و ملل مشرق زمین و علاقه می که این ملتها نسبت به هم دیگری نشان می دادند به برقراری و توسعه مبادلات فرهنگی و تأثیر متقابل فرهنگی منجر گشت. دودورد قبایل بیابانگرد مشرق زمین باید گفت که تنها مرادوه و قلماس آنها با قبایل اسلام نقش مهمی داشته است زیرا قبایل بیابانگرد نژاده نژادگی ساکن را به تدریج از همسایگان خود فراق کردند. با اینهمه نفوذ فرهنگی غالباً توسط ملل دیگر و از طریق فرآیند رسوب سازی که هر دو آن بسیاری از عناصر حاصل از فرهنگهای گوناگون رویمه ایبانه می شدند صورت می گرفت و هیچ اثری نداشت که چنین نفوذی شکل فرآگیری و دریافت مستقیم از فرهنگ بیگانه را به خود بگیرد. در بسیاری از جریانهایی دریافت آفریننده فرهنگی صورت گرفته بدین معنا که ملتها در فرهنگ دریافت شده تغییراتی وارد آورده و سپس آن را در خود جذب و استحلال ساخته است. اقوام اسلام که از قدیم ترین زمانها به کشاورزی می پرداختند نسبت به کشاورزی ملل شرق زمین دلبستگی بسیار شدیدی از خود نشان می دادند. برنج توسط امپراطوری روم شرقی و اعراب از نواحی دور دست شرق به اروپا آورده شد. در روسیه آن را «پلوتون خن» می نامیدند. در قرن هفدهم به دستور تزار الکسی میخائیلویویچ در نزدیکهای مسکو باغی احداث گردید. در این باغ سعی می کردند گیاهانی را که از شرق وارد می شدند به عمل آورند. سفرای روسیه همیشه می کوشیدند تا از کشورهای شرق زمین نمونه های تازه ای از گیاهان همراه خود آورند. سه اوقات به آنها مأموریت داده می شد تا در چین برای خود بوته چای فراهم کنند.

از شرق زمین همچنین حیواناتی نا-شناخته از قبیل شیر، پسر شتر و قیل به کشورهای اسلامی می آوردند. از قرن دهم میلادی شتر به لیستان آورده شد. شاهزاده مسکوی اول یکی از آنها را به عنوان هدیه ای برای امپراطور آلمان فرستاد. در قرن شانزدهم میلادی شاه ایران به ایوان مخوف چندین قیل اعطاء نمود. در سال ۱۷۶۱ چهارده تا قیل این باهم به سن - پترزبورگ آوردند. برای این حیوانات سنگانه محوطه مخصوص ایجاد کردند که در آن توسط قیلبانان هنری از آنجا مراقبت بعمل می آمد. در شهرها و روستاها مردم ازدواج حیوانات بیگانه را به هم خیر می دادند. شکل این حیوانات را دهقانان را کلبه هایشان را با صابون کهنه کاری شده حیوانات شناخته (به مقالیه که در صفحه ۴۴ این شماره به این موضوع اختصاص دارد مراجعه کنید) ترین می شوند به پدافکت می می دانستند روی چوب کهنه کاری کردند.

بنام کوسما برای خان گوزوک بیک تخت سلطنتی ساخت و سر دولتی را که اثر آن روی نامه‌ی که خان به پاپ نوشته تا کنون حفظ شده است حکاکی کرد.

روابط فرهنگی با کشورهای مشرق-زمین در قلمرو زندگی روزانه هم نقش مهمی ایفا نمود. در این مورد داستان دواج پیدا کردن چای بسیار جالب است. روسها به سال ۱۶۹۶ در مغولستان در یک مهمانی رسمی در دربار آلتین خان برای نخستین بار چای را دیدند. در این مهمانی از فرستادگان روسی با شیر و کره آب شده که توی آن میزگهای نسل-شناخته‌ی و وجود داشت پذیرایی بعمل آمد. فرستادگان نخست از قبول چای به‌عنوان هدیه برای قرار خودداری کردند ولی بعد بعد از رضایت دادند و بدینگونه چای مدت مدیدی پیش از آنکه در هلند یا در انگلستان شناخته شود به روسیه راه یافت. از آن زمان چای مدت بسیار زیادی گالای عمده صادرات چین به روسیه را تشکیل می‌داد.

عادت به نوشیدن چایی و نیز کلمه چینی «چایی» در قرن هجدهم میلادی در روسیه، آسیای مرکزی، ایران، ترکیه، سوریه و مصر رواج پیدا کرد. قوری که در سرزمین آسیای چین نخست برای گرم کردن مشروبات الکلی بهیچین مرفعت بعد طوری ساخته شد که برای دم کردن چای مورد استفاده قرار گیرد. برای چوشاندن آب از مسافور که در روسیه اختراع شده است استفاده بعمل می‌آمد. سپس بسیاری از ملل مشرق‌زمین آن را شناختند و بتدریج



فیله‌ها و سفرا

دوستند که نشان شکفته روابط است که میان اقوام اسلاو و مشرق زمین وجود داشته. دو مستواستقلاتی یکی از هرمدندان زایی را می‌بیند که یکی از سفرای روسی موسوم به نیکولایسی رزانوف را که بمسال ۱۸۰۴ در ژانویه مأموریت خود را انجام سرداد نشان می‌دهد. در این نقلی نام تمام چیزهای لباس وی ذکر شده است. حیواناتی از قبیل شیر، ببر و فیل توسط پادشاهان کشورهای مشرق زمین برای مناسبات عالی اسلاوی فرستاده می‌شد. وقتی برای نخستین بار چند فیل راهم از طریق ایران به مسکو آوردند مردم تصویر این حادله را به‌عنوان یادبود روی چوب کده کاری کردند (تصویر بالا)

در آسیای مرکزی، ترکیه، ایران و در کشور-های عربی بسیار متداول گردیده. در کشمیر و مناطق دیگر اسم روسی آن هنوز حفظ شده است.

اروپاییان و در میان آنها اقوام اسلاو بسیاری از اطلاعات علمی از جمله دانش ریاضی را از ملل مشرق زمین آموختند. اراقمی که

اکنون بکار برده می‌شوند یا آنکه واقعا در هند اختراع شده‌اند هنوز هم ارقام عربی نامیده می‌شوند. قیابیل اسلاو به ثوبه خود در مورد مشرق زمین کجنگاری علمی بسیار زیادی از خود نشان می‌دادند. پتر کبیر یکی از نقشه‌های نادرست دریای خزر و آسیای مرکزی را با دست خود اصلاح کرد. در قرن هفدهم میلادی کریزانیک که اسلاو از اهالی کرواث بود یکی از کتابهای خود موسوم به «تاریخ سیریکه» را به زان سوییسکی پادشاه لهستان اعهدا نمود. این کتاب به‌تفصیلی خاور دور در میان قیابیل غربی اسلاو کمک فراوانی کرد.

قیابیل اسلاو برای طب عامیانه مشرق زمین به همانگونه که در طی قرون متدای به-وجود آمده بود اوزن بسیار زیادی قائل بودند و در مقابل خود آنها در ترویج پزشکی علمی در مشرق زمین نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در اواسط قرن نوزدهم میلادی پزشکان روسی نخستین بیمارستان را در ژاپون بنیان نهادند. نخستین پزشک مغولستان یکی از اهالی روس موسوم به پ. شاستین بود. شیوه‌های درمانی وی در آنجا چنان شیوع پیدا کرد که مدت مدیدی در زبان مغولی دو کلمه «شاستک» و «شاستین» مترادف هم شمرده می‌شدند.

تعماسهای طولانی با مشرق زمین در زبانهای اسلاوی تأثیر بی‌چای گذاشت. قیابیل اسلاو از نظر تاریخی و ژغرافی به گروه هند و اروپایی تعلق دارد؛ بنابراین زبانهای آنها خصوصیات را در خود حفظ کرده‌اند که آنها



Photo © Lubov Malinova, Kras

نقش برجسته سنگی که از هخامنشیان، سده هفتم تا پنجم پیش از میلاد در استان فارس واقع در دهه خدابان منصوب می‌شود نشان می‌دهد که روی اراکه بر کلاه سیران کشیده می‌شود که است. در روسیه مسیحی کبکدر قرن یازدهم میلادی برای تزئین کلیساها شایباً موضوعات اسطوره‌ای را با تقلید کاملاً دقیق و درست آنها از روی نقوش برجسته باستانی متعلق به قرن اول پیش از میلاد مسیح بکار می‌بردند.

کیف

نگهبان سنت‌های کهن فرهنگ اسلاو

نوشته یوری آسیف

یوری آسیف «Iouri Asséev» یکی از معماران شوروی و استاد تاریخ معماری است که اکنون سلاوت رئیس انستیتی کیف را هدیه دارد.

را به زبانهای هند و اروپایی نزدیکتر می‌سازد. علاوه بر حهٔ زبانهای اسلاوی عناصر لغوی و صرف و نحوی فراوانی که منشأ شرق و بویژه ترکی دارد و حال آنکه يك سلسله از کلمات اسلاوی به شرق زمین راه یافته‌اند.

در سرزمین قبایل غربی اسلاو تعداد از مکانهای باستانی تاکنون باقی مانده‌اند که در آن ملل شرقی کهنسال از جمله کارائیمها میزیسته‌اند. و حادثه شکست‌الگیزی که در آغاز قرن بیستم میلادی بوقوع پیوست این بود که یکی از خاورشناسان لهستانی برای دیدن قبایل کارائیم به سرزمین آنها رفته بود در یکی از خانه‌ها به يك فرهنگ لغات پولووتس بسیار قدیمی برخورد و وقتی دید که دختر هفت سالهٔ صاحب خانه دربارهٔ مطالب آن توضیحاتی به وی می‌دهد دچار حیرت شد. زمانی که فون شماری پیش از آن وجود داشته در این خانواده نسلی به‌نسل دیگر آن را منتقل می‌کرده است.

معماری اسلاو تحت تأثیر شدید شرق زمین قرار گرفته است. در نخستین سالهای تشکیل آیین معماری سنت امپراطوری روم شرقی در آن نقش مهمی ایفا کرد. ولی بعدها ساختمانهای قبایل جنوبی اسلاو از سبک معماری مسلمانان که توسط ترکیها متداول گشته بود تأثیر پذیرفت. تأثیر شرق‌زمین در کشورهای غربی اسلاو و در لهستان و چکسلواکی کمتر محسوس است. اگرچه در این مناطق نیز در کنار کلیساهای کهنسال گوتیک بناهای بی-شماری از نوع شرقی می‌توان مشاهده کرد. در اوکراین و لهستان بناهایی توسط معماران رومی ساخته شده‌اند.

پس از الحاق قلمرو پادشاهی قازان و حاشی طرح‌ها به روسیه استفاده از موضوعات معماری شرقی در هنر معماری روسیه اهمیت بسیار زیادی پیدا کرد. در ساختمان کلیسای مشهور سن پترزبورگ که در زمان فرمانروایی ایوان خوف بزرگ معماری ملی روس در میدان سرخ مسکو بنا گردیده برخی از عناصر شرقی بکار گرفته شده است.

آثاری از روابط با‌مشرق زمین را در فولکلور باستانی روس هم می‌توان مشاهده نمود. برخی از قصاید رزمی عامیانه روسی تا حدی منعکس کننده اشعار حماسی ترکی هستند. در برخی از این قصاید قهرمانی می‌توان یافت که اصنامی ترکی دارند و وقایع توصیف شده روابط میان قبایل «کلا» سیاه و قبایل بیچنگ را منعکس می‌سازند.

این تبادل عناصر فرهنگی بیشمار میان اقوام اسلاو و ملل شرقی زمین نه تنها غنای کمک نموده است. همانگونه که امروز مشاهده یک هنری دستارپوش در خیابانهای شهرهای آرم و یا یک اروپایی مو یوز در میان جمعیت آرمه و بر سر و صدای یک بازار شرقی در انسان شکستی ایجاد نمی‌کند همانطور هم این مسئله که یک ماهوارهٔ هنری به‌وسیلهٔ یک موشک شوروی در مدار زمین قرار گیرد و یا شیوهٔ جدی درمانی قدیم تبت در سواحل دریای بالتیك بکار برده شود باید یک مسئلهٔ عادی تلقی گردد.

هر فرهنگ بزرگی از تأثیر متقابل و درهم آمیختگی با فرهنگهای دیگر آرم از بزرگ و کوچک بوجود می‌آید. هر گونه کوششی برای جدایی همیشه منجر به انحطاط گردیده است. تاریخ نمونه‌های فراوانی از آن در بردارد. اخذ خلاق فرهنگ یکی از شرایط لازم رشد فرهنگ بشمار می‌آید. ایلیاس سلیمانوف